گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده سریال بانوی عمارت که این شب‌ها از تلویزیون پخش می‌شود

«بانوی عمارت» مردم را به مطالعه تاریخ تشویق کرد

■ سارا نیکویی

«بانوی عمارت» سریالی است به کارگردانی عزیزالله حمیدنژاد که این شب‌ها از شبکه سوم سیما در حال پخش است و مخاطبان زیادی را به خود جذب کرده است. گفت‌وگوی «جوان» با احسان جوانمرد، نویسنده این سریال را می‌خوانید.

برای نزدیک شدن به لحن و ادبیات دوره ناصرالدین شاه چقدر کار کردید و اساساً این موضوع تا چه اندازه برایتان اهمیت داشت؟

برای نزدیک شدن به لحن و ادبیات دوره ناصرالدین شاه مدت زیادی را صرف مطالعه کتب تاریخی و متون ادبی منظوم و منثور آن دوره کردم، اما قصدمان این نبود که لحن طوری باشد که مخاطب امروزی متوجه نشود، یعنی تلاش کردیم میان لحن و ادبیات آن دوره و مخاطب کنونی تعادل ایجاد کنیم. چون به طور طبیعی بینندگان سریال با خیلی از اصطلاحات و عبارات آن دوره آشنا نیستند، به همین دلیل نمی‌توانستیم کاملاً به زبان آن موقع روایت کنیم در آن صورت کار سخت می‌شد. سعی کردیم یک مرز متعادلی پیدا و روی آن حرکت کنیم. اینکه چقدر در این زمینه موفق عمل کردیم را باید از بینندگان پرسید. یک نکته دیگر هم هست و آن اینکه لحن و دیالوگ‌ها در مقام اجرا با آنچه من نوشته بودم، امروزی‌تر شده است.

در مطالعات خود از چه منابعی استفاده کردید؟

تمام متون دست اول دوره قاجار را دیدیم. البته نه متون تحلیلی، بلکه آنچه به صورت روزنامه، خاطره‌نویسی یا سفرنامه وجود داشت را دیدیم. برخی‌ها مشهور هستند و شاید بسیاری آنها را خوانده باشند مثل نوشته‌های اعتمادالسلطنه، اما ما سراغ مهجورهایی مثل قصید الملک شیبانی هم رفتیم که شاید کسی نخوانده است. همه اینگونه منابع، مطالعه و فیش‌برداری شد، بنابراین لحن و ادبیات آن دوره دست ما بود و می‌توانستیم متن فیلمنامه را قاجاری‌تر بنویسیم اما فکر کردیم اگر آنگونه بنویسیم، متن و دیالوگ‌ها برای مخاطبان عمومی پیچیده شود به همین دلیل طوری متن را نوشتیم که عام بپسندد و خاص پس نزند.

به نظر می‌رسد لحن سریال بیش از آنکه به ادبیات دوره قاجار نزدیک باشد به ادبیات امروزی نزدیک است یعنی بیشتر به لحن و ادبیات امروز متمایل شدید؟

در اجرا تصمیم دوستان این شد که برای بعضی از شخصیت‌ها کمی لحن را به امروز نزدیک‌تر کنند و مقداری امروزی‌تر شده است، اما اینکه این چقدر کار درستی بوده را باید خود دوستان و مخاطبان نظر دهند و این برای همه شخصیت‌ها نبوده، بلکه برای برخی بوده است. دوستان تصمیم گرفتند لحن را برای برخی کاراکترها سبک‌تر بگیرند. البته خیلی هم زیاد نبود. می‌توانم بگویم ۹۵درصد آنچه شما می‌بینید همان متن اصلی است. فقط در لحن و اضافه کردن بعضی لغات به صورت بداهه خارج از حوزه متن و نویسنده است.

از اثر نمایشی خاصی هم الهام گرفتید؟

به هیچ عنوان. هر نویسنده‌ای خواسته یا ناخواسته وامدار تمام آثار ادبی و نمایشی قبل از خودش است، اما اینکه تعمداً بخواهیم مثلاً اثری الگو قرار بگیرد، نه اصلاً اینطور نبود، بلکه بر عکس بود. اگر جایی احساس می‌کردم که قصه ممکن است به فضای قصه دیگری نزدیک شود تا جایی که توانستم، سعی کردم این اتفاق نیفتد. گرچه نمی‌توان در این خصوص مطلق سخن گفت که کار تقریباً غیرممکنی است.

بازخوردهای مردمی تاکنون چگونه بود؟

به نظر من صددرصد افرادی که به طور معمول تلویزیون می‌بینند این سریال را تماشا می‌کنند. اینکه چقدر توانستیم مخاطبان جدید جذب کنیم، نیاز به آمار، نظرسنجی و بررسی علمی دارد، اما بازخوردهایی که تاکنون از روش‌های مختلف مثل فضای مجازی گرفتیم نشان می‌دهد میزان رضایت از سریال نسبت به کارهای مشابه بالاتر و بیشتر است. طبیعی است همیشه نقص‌ها، محدودیت‌ها و الزاماتی در اینگونه کارها وجود داشته باشد که مخاطب خاص نپسندد یا حتی نظرات متفاوت و گاه متضاد در باره برخی سکانس‌ها داده شود. مثلاً درباره سکانس مراسم عروسی برخی حواشی ایجاد شد، عده‌ای پسندیدند و عده‌ای مخالفت کردند. جالب بود که در فضای مجازی خود کاربرها به جای عوامل فیلم پاسخ مخالفان را می‌دادند. اینها برای من و عوامل اجرا دلگرم‌کننده بود.

چقدر نقش فیلمنامه را در رضایت بینندگان از سریال مؤثر می‌دانید؟

من به عنوان فیلمنامه‌نویس سریال بهتر است به این سؤال شما پاسخ ندهم، اما به صورت کلی باید بگویم زمانی اثری موفق و با اقبال مخاطب مواجه می‌شود که در درجه اول داستانش بتواند مخاطب را با خود همراه کند. بر این اساس می‌توانم بگویم داستان بانوی عمارت موفق شده است مخاطب را با خود همراه کند و سرنوشت شخصیت‌ها برای مخاطب مهم شود و انگیزه پیگیری سریال را داشته باشد. حالا اینکه سهم فیلمنامه چقدر است را نمی‌دانم.

فیلمنامه خوب، همراه با کارگردانی و طراحی صحنه و بازیگری خوب بازیگران هر مجموعه‌ای را جذاب می‌کند. این هماهنگی را در سریال بانوی عمارت می‌بینید؟

به نظر من الزامات و اقتضائات اجرا موجب شده است از همه ظرفیت‌های فیلمنامه استفاده نشود. این به معنای ضعف کارگردان یا عوامل اجرا نیست، بلکه بخش عمده آن به نظرم دست بسته تهیه‌کننده و کارگردان در هزینه‌ها بوده است. این موضوع در انتخاب بازیگر، طراحی دکور و صحنه یا لوکیشن هم خودش را نشان می‌دهد. کاری که باید به طور مستمر هر شب از تلویزیون پخش شود با کارهای دیگر متفاوت است، سرعت بیشتری نیاز است که با محدودیت بودجه سازگار نیست، اما این تیم توانست با همین بودجه معمولی «بانوی عمارت» را ارائه دهد که جا دارد به همه عوامل اعم از کارگردان، تهیه‌کننده، بازیگران و دست‌اندرکاران سریال خسته نباشید گفت. البته این ارتباطی به مردم ندارد، مردم که در جریان پشت پرده ساخت سریال و بودجه و اینگونه مسائل نیستند. مردم محصول نهایی خوب می‌خواهند اما من که در جریان برآورد بودجه و سنگینی کار گروه هستم، خیلی ایده‌آلیستی به ماجرا نگاه نمی‌کنم. برای همین با در نظر گرفتن همه این مسائل می‌گویم کار آبرومندی ارائه شده است. ضمن اینکه بسیاری از بازیگران به نظرم بهترین بازی خودشان را اینجا ارائه دادند یعنی ما بازی‌های دیگرشان را هم دیده بودیم، اما اینجا بهترین و در واقع پذیرفتنی‌ترین نقش زندگی‌شان را بازی کردند و من از آنها ممنون هستم بابت انرژی که گذاشتند. می‌دانم کاستی‌هایی هم وجود دارد و همیشه هست، اختلاف‌نظرها بین نویسنده و کارگردان هست، اینها همیشه بوده و خواهد بود. نویسنده در خیال خود قصه را دیده و زمانی که با واقعیت نمایشی که به تصویر کشیده شده، مواجه می‌شود، خیلی از اوقات جا می‌خورد، چه بسا توقع بیشتری داشته و خیلی جاها احساس می‌کند که حق مطلب ادا نشده است. این چیزها طبیعی است و مخصوص این کار هم نیست. تا زمانی که آدم می‌نویسد و تقدیم می‌کند به دیگران برای ساخته شدن، باید با این سورپرایزها مواجه شود، اما به طور کلی باید بگویم که عوامل از عهده کار بر آمدند. مسئولان لباس و صحنه و بازیگران خیلی خوب ظاهر شدند. در مورد فیلمبرداری کار هم باید بگویم که با توجه به امکاناتی که در اختیار داشتند، تصویر و نور به نظرم قابل قبول است و جا دارد به عوامل آن تبریک بگویم.

> **به نظر من صددرصد افرادی که به‌طور معمول تلویزیون می‌بینند این سریال را تماشا می‌کنند. اینکه چقدر توانستیم مخاطبان جدید جذب کنیم، نیاز به آمار، نظرسنجی و بررسی علمی دارد، اما بازخوردهایی که تاکنون از روش‌های مختلف مثل فضای مجازی گرفتیم نشان می‌دهد میزان رضایت از سریال نسبت به کارهای مشابه بالاتر و بیشتر است**

فیلمنامه شخصیت‌محور است یا موقعیت‌محور؟

من هیچ فیلمنامه و کاری را اینطور نمی‌بینم. اولاً که ما با یک اثر داستان گونه مواجه هستیم. زمانی که شما تصمیم می‌گیری برای مدیوم تلویزیون اثری داستان‌گونه بنویسی، اقتضائات خودش را دارد. دیگر شما نمی‌توانید بگویید من شخصیت محورم یا ماجرا محورم. شما باید بین شخصیت‌هایی که بیننده دوست دارد و سرنوشت آنها را دنبال می‌کند و ترکیب آن با ماجراهایی که برای مخاطب هم جذاب باشد و هم غیرقابل پیش‌بینی، تعادل ایجاد کنید. در واقع مخاطب بعد از تماشای چند قسمت باید بتواند به نویسنده اعتماد کند. به این معنی که خیالش جمع باشد که نویسنده می‌داند داستان را به کجا ببرد و به کجا نبرد و چه اطلاعاتی را به او بدهد. اینها همه باعث می‌شود من بگویم کار ما هم شخصیت محور و هم ماجرا محور است. تعادل میان این دو محور در بستری از واقعیت تاریخی که نیاز بوده، در پس زمینه کار گنجانده شده است. برای آنکه صرفاً یک اثر داستان‌گو نباشیم و ادای دینی هم به واقعیت‌های تاریخی آن دوره کرده باشیم، باید سؤالاتی ایجاد کنیم که مخاطب مجبور به تحقیق شود. گاهی سراغ گوگل و کتاب‌ها برود و چیزهایی را جست‌وجو کند تا به یافته‌های جدیدی علاوه بر آنچه در سریال می‌بیند، برسد. بسیاری از مخاطب‌ها رفتند جست‌وجو کردند و مقالاتی در باره ارسلان میرزای قاجار را مطالعه کردند که آیا چنین شخصیتی بوده یا نه، تا بهتر داستان او را دنبال کنند.

تجربه کار تاریخی پیش از این داشتید؟

تجربه کار تاریخی به معنای دراماتیکش نه! اما طرح‌های زیادی نوشتم. همراه یکی از دوستانم تمام آثار دست اول از ابتدای سلسله صفویه تا پهلوی را مطالعه کردیم و حاصل آنها برای من که در این حرفه فعالیت می‌کنم این است که فرازهای مختلفی از تاریخ را به شکل طرح سریال و طرح فیلم سینمایی یادداشت کردم که به مرور تلاش می‌کنم سراغشان بروم.

یعنی باز هم کارهای تاریخی به شما سفارش شده است؟

خیر، ایده خود من بود. همین طرح بانوی عمارت را حدود هشت سال پیش به سازمان صدا و سیما ارائه دادیم، اما هر بار با تغییر مدیران اولین سریالی که کنار گذاشته می‌شد، همین سریال بود. باز مدیر جدید می‌آمد مدتی طول می‌کشید تا ارتباط می‌گرفتیم، توافقات اولیه انجام می‌شد باز با جابه‌جایی مواجه می‌شدیم. در واقع داستان تصویب «بانوی عمارت» خودش دراماتیک‌تر از سریال شد. به شوخی به تهیه‌کننده می‌گفتم طرح ما به دفتر هر کس برود صندلی‌اش را از دست می‌دهد و این اتفاق برای رئیس سازمان هم افتاد، یک بار طرح تا شورای دفتر رئیس وقت سازمان هم رفت که این بار خود رئیس سازمان عوض شد. به هر حال تقدیر سریال چنین بود که تصویبش سال‌ها به طول انجامد وگرنه احتمالاً اکنون شاهد ساخته شدن ادامه آن هم بودیم. این را هم بگویم که نام اولیه سریال «آهو» بود. به هر حال فصل اول سریال این شد که می‌بینید تا ببینیم فصل‌های بعدی چه خواهد شد. هنوز معلوم نیست اراده‌ای برای ساختن فصل‌های بعدی وجود داشته باشد. البته جا دارد از مدیران سازمان تشکر کنم که بسیار مدارا و تساهل کردند تا کار شکل بگیرد.

فضای داستان مربوط به دوره قاجار است. این دوره چه ویژگی‌هایی داشت که شما این دوره را انتخاب کردید؟

سالی که سریال در آن اتفاق می‌افتد، سال ۱۳۱۳ هجری قمری مقارن با سال ۱۲۷۵ هجری شمسی است. این سال از این جهت اهمیت دارد که مملکت بعد از ۵۰سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار با مرگ او وارد دوره جدیدی می‌شود. سلطنت طولانی ناصرالدین شاه موجب ایجاد تعادل نسبی در جامعه شده بود. با مرگ شاه ناگهان خلئی به وجود می‌آید و به نوعی جامعه دچار شوک می‌شود. تا مردم به دوران جدید عادت کنند طول می‌کشد. در واقع جامعه آماده تحولات و نگرش‌های جدیدی می‌شود تا اینکه به دوران مشروطه می‌رسیم و مطالبات عدالتخواهانه مردم شکل می‌گیرد. واقعاً محقق شدن مشروطه با وجود ناصرالدین شاه امری بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسید. با کشته شدن ناصرالدین شاه خیلی چیزها تغییر کرد و بسیاری فکر کردند می‌شود در دوره جدید سراغ مطالبات جدید رفت و از شدت ظلم، جور، ستم و فسادی که در واقع در جاهای مختلف بر مردم اعمال می‌شد، رهایی یافت. ایده تغییر شکل می‌گیرد، لذا این دوره برای داستان‌نویسی جذاب می‌شود. ضمن اینکه اینها پس زمینه داستان ما هستند و ما با اثری که تم اصلی آن عشق به خانواده و نظایر آن است روبه‌رو هستیم و خیلی سراغ تاریخ و وقایع جدی تاریخی نرفتیم، اما تأثیر کشته شدن شاه بر زندگی شخصیت‌های قصه را روایت کردیم. جشن تاجگذاری را می‌بینید که آدم‌های قصه منتظرند ببینند در این دوره تکلیف شازده ارسلان چه می‌شود؟ آیا به مقام و منصبی می‌رسد یا نه؟ و ما به بهانه اینها بحث‌های دیگری هم مطرح کردیم مثل اینکه شایسته سالاری حاکم نبوده است. روابط بین آدم‌ها، وجود رشوه و امثال اینها در واقع درهم تنیده شد. در یک درام عشقی و خانوادگی که در داستان با آن مواجه هستیم، مسائل دیگر را هم مطرح کردیم.

زنان در فیلمنامه شما دقیقاً چه جایگاهی دارند؟ کلمه ضعیفه را زیاد می‌شنویم. آن هم در میان زنان طبقه اشراف در حالی که در همان دوره زنان قدرتمندی مثل مادر ناصرالدین شاه حضور داشتند.

من باید تصمیمی می‌گرفتم که زنان قصه من فعال باشند یا منفعل؟ نشان دادن همه زنان به صورت کاملاً فعال و تصمیم‌گیر واقعی نبود. این در آن دوره اتفاق نیفتاد. تصویر کلیشه‌ای زن ستمدیده و منفعل هم تصویر جذابی نبود. حتی اگر در آن دوره، زنان با این ویژگی زیاد بوده باشند، برای شخص من ارائه کردن چنین تصویری از زنان جذابیتی نداشت، بلکه کراهت هم داشتم که چنین تصویری ارائه دهم، بنابراین سعی کردم تعادلی بین واقعیت تاریخ با ایده‌های خود و انتظارات بیننده ایجاد کنم. بالاخره بسیاری از بینندگان سریال، زنان هستند که می‌خواهند تصویر زن را در آن دوره ببینند و جاهایی هم الگوبرداری کنند. از آنجایی که یکی از کارکردهای رسانه و آثار هنری الگودهی است بر این اساس تلاش کردم زنانی را نشان دهم در حالی که با محدودیت‌های مختلف اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند اما منفعل و ظلم‌پذیر هم نیستند و تا جایی که واقعیت آن دوره اجازه می‌دهد می‌توانند پیش بروند و تغییراتی در سرنوشت خود ایجاد کنند. این تم را چه در زنان اشراف‌زاده و تاجرزاده مثل افسرالملوک و فخرالزمان و چه در دختری که ما از طبقه فرودست جامعه نشان می‌دهیم در واقع کاراکتر «آهو» می‌بینیم. تلاش کردم در واقع این تعادل را برقرار کنم. نه آنقدر فعال که باورپذیر نباشد و نه آنقدر منفعل که تأثیر منفی بر جامعه بگذارد. تصویری از زنی به آنها پیشنهاد بدهد که دنبال ترقی، علم‌آموزی و تغییر سرنوشت خودش است. سعی کردم بیشتر تعادل برقرار کنم، اما اینکه زن‌ها در فیلم ضعیفه خطاب می‌شوند بیان واقعیت است. این در آن دوره وجود داشته است. نه تنها در آن دوره، بلکه در دوران بعد هم داریم. شاید هنوز هم طبقات و اقشاری در جامعه هستند که به زن به عنوان جنس دوم نگاه می‌کنند. کاراکترهای من که نمی‌توانند دروغ بگویند و طبق آموزه‌های فعالان بخش زنان حرف بزنند. این در تناقض با بستر تاریخی فیلم خواهد بود. باز در لفظ برای من مهم نبود چون در لفظ این اتفاق افتاده است، اما در محتوا مهم‌تر بود که آن تصویر منفعل از زنان ارائه نشود. زنان قصه کسانی نیستند که تسلیم سرنوشت‌شان باشند. آنها به اندازه میدانی که برای بازی کردن برایشان فراهم است، هم در سرنوشت خود و هم در سرنوشت قصه مشارکت می‌کنند.

انتظار دارید در پایان پخش این سریال چه اتفاقی بیفتد؟

به عنوان یکی از عوامل این پروژه سریالی آرزو دارم آنچه به تصویر کشیده شده است، با تمام نکات مثبت و نقدها توانسته باشد اثر مثبتی هر چند کوچک در جامعه ایجاد کند. امیدوارم مخاطبان این حس را نداشته باشند که وقتشان را با دیدن این سریال تلف کرده‌اند و در پایان سریال از آن راضی باشند و به عنوان اثر ماندگار در ذهن آنها باقی بماند. آرزوی دیگر من این است که این سریال بستری فراهم کند تا بیشتر شاهد ساخته شدن آثار تاریخی از ایران باشیم.

فرصت‌های ایران برای تبدیل شدن به قطب گردشگری سلامت منطقه

شبکه علمی کشور به کمک گردشگری سلامت می‌آید

■ محمدصادق عابدینی

برگزاری دهمین نمایشگاه گردشگری پارس در شیراز فرصت خوبی برای محک خوردن توانمندی کشورمان در تبدیل شدن به قطب گردشگری سلامت در منطقه بود. امکانات و زیرساخت‌های پزشکی در ایران، همراه قیمت مناسب ارائه خدمات درمانی در کشورمان باعث شده است علاوه بر کشورهای همسایه، از کشورهای اروپایی و آفریقایی نیز بیمارانی برای درمان به ایران سفر کنند. این سفرهای درمانی می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح، به منبع درآمد مطمئنی برای کشورمان تبدیل شود و گردشگری سلامت را به یکی از سودآورترین فعالیت‌های حوزه درمان توریسم تبدیل کند.

■ نمایشی از توانمندی‌های قطب پزشکی کشور

دهمین نمایشگاه گردشگری پارس، هفته گذشته با حضور معاون رئیس‌جمهور در شیراز آغاز به کار کرد. این نمایشگاه که در فضایی به ابعاد ۱۷ هزار متر مربع و در سه سالن نمایشگاهی برگزار می‌شد، میزبان ۱۰ استان کشور و شش کشور خارجی بود. یکی از سه سالن اصلی این نمایشگاه نیز به طور اختصاصی به توریسم سلامت اختصاص داده شده بود. مصیب امیری، مدیرکل میراث فرهنگی استان فارس، درباره برگزاری این نمایشگاه گفت: علاوه بر فارس، استان‌های خراسان رضوی، همدان، اصفهان، تهران، آذربایجان غربی و شرقی، مرکزی، سمنان و منطقه آزاد چابهار در غرفه‌های صنایع دستی به معرفی دستاوردهای گردشگری خود پرداختند و نمایندگان گردشگری کشورهای عمان، سنگاپور، ترکیه، هند، اندونزی و امارات نیز برای ارائه امکانات گردشگری در این نمایشگاه حضور داشتند.

رویکرد اصلی دهمین نمایشگاه گردشگری پارس، بحث گردشگری سلامت بود و از آنجا که شیراز یکی از قطب‌های مهم پزشکی در کشور است پرداختن به توریسم سلامت در این استان بیش از سایر استان‌های کشور، اهمیت پیدا می‌کند.

امیری درباره پرداختن به گردشگری سلامت در نمایشگاه پارس اظهار داشت: از آنجا که موضوع گردشگری سلامت یکی از اولویت‌های اصلی گردشگری است، تلاش شده است عوامل تأثیرگذار بر توسعه گردشگری سلامت از جمله خدمات بیمارستان‌ها، ایرلاین‌ها و اقدامات معاونت صدور روادید وزارت خارجه در یک سالن برای آشنایی علاقه‌مندان به صورت تخصصی به نمایش گذاشته شود. آشنایی فعالان حوزه گردشگری سلامت با پتانسیل‌های مراکز درمانی کشور و همچنین فراهم کردن فضایی برای آشنایی دست‌اندرکاران این بخش از صنعت گردشگری از مهم‌ترین اهداف برگزاری این نمایشگاه عنوان شده است. نمایشگاه امسال با مشارکت شبکه علمی کشور برگزار شد.

سادینا آبایی، رئیس اپراتور شبکه علمی کشور گفت: این شبکه به دلیل عجین بودن با حوزه‌های بیمارستانی و دانشگاهی، می‌تواند نقش پر رنگی در ایجاد اشتغال در استان‌ها داشته باشد. آبایی با اشاره به اینکه ایران دچار جنگ اقتصادی است، افزود: ما به عنوان بخش خصوصی در کنار دولت هستیم، زیرا ایران و نظام جمهوری اسلامی برای ماست. رئیس اپراتور شبکه علمی ایران گفت: ما به عنوان عضوی در حوزه فناوری اطلاعات طرحی در زمینه گردشگری سلامت آماده کرده‌ایم که امیدواریم بدون ایجاد سختی آن را پیش بریم؛ چراکه ما می‌توانیم گردشگری سلامت را با داشتن زیرساخت‌های فناوری اطلاعات به نقطه‌ای برسانیم که برای کشور مفید باشد و در دنیا به آن بها دهند.

وی وجود گستره فراوان متخصصان، جایگاه مناسب کیفی تجهیزات درمانی و تولیدکنندگان سرآمد در کشور و نرخ برابری ارز در مقابل ریال را جزو مزیت‌های اصلی کشور در بحث گردشگری سلامت عنوان کرد و گفت: شبکه علمی ایران ارائه‌کننده خدمات چهارگانه تسهیل‌گری و مدیریت چرخه در عملیاتی شدن طرح ملی گردشگری سلامت با بهره‌مندی از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات است.

آبایی با تأکید بر گسترش و ترویج توریسم سلامت در کشور، ارتباط پزشکان داخلی با بیمارستان‌های دیگر کشورها را از جمله رویکردهای خارجی کمک‌کننده به حوزه گردشگری سلامت در ایران برشمرد و بیان کرد: وجود ایرانیان مقیم خارج از کشور ظرفیت بالایی برای ما محسوب می‌شود که با استفاده از حضور آنان می‌توان این مقوله را رونق و گسترش داد.

ایران در حالی به دنبال گسترش بازار گردشگری سلامت است که کشورهای همسایه مانند ترکیه با سرعت بالایی در حال جذب مشتریان بالقوه خدمات درمانی ایران است. نبود شبکه بازاریابی در کشورهای همسایه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ایران در بحث گردشگری سلامت است که هنوز دولت نتوانسته است زمینه اینگونه فعالیت‌ها را در کشورهای همسایه فراهم کند.

آگهی حصروراثت

آقای حسین عباسی دارای شناسنامه شماره ۲/۵۵۸۹۸۲۳۹۷۸ موالید به شرح دادخواست به کلاسه ۸/۹۷۱۱۷۶ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ایصاف علیمرادی به شناسنامه ۱۶۸/۳۷۳۰۸۹۸۲۶۴ در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۲۸ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به افراد مشروحه زیر:

۱. آمنه کریمی ش. ش: ۲۰۴ ت. ت: ۱۳۲ /۵/۲۲ شماره ملی ۵۵۸۸۸۷۴۹۶۱ دختر متوفی

۲. سرگل کریمی پنا ش. ش: – ت. ت: ۱۳۷۴/۳/۲۵ شماره ملی ۳۷۲۰۵۶۰۶۰۰ پسر زاده متوفی

۳. شادی کریمی پنا ش. ش: – ت. ت: ۱۳۷۶/۴/۲۴ شماره ملی ۳۷۲۰۶۹۶۷۱۵ پسر زاده متوفی

۴. سروه کریمی پنا ش. ش: – ت. ت: ۱۳۷۰/۲/۱۹ شماره ملی ۳۷۲۰۲۲۱۸۵۷ پسرزاده متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت پی در پی ماهی یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

م الف: ۸۴۰۱ / رئیس شعبه ۸ شورای حل اختلاف سنندج

آگهی حصروراثت

آقای سید فرهاد شیخ الاسلامی دارای شناسنامه شماره ۱۳۹۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷/۱۳۶۴/۸ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ملوک ترهانی به شناسنامه شماره ۱۹۸۳۵ در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته، ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱. فریبا شیخ الاسلامی متولد ۱۳۴۱ شماره شناسنامه ۱۵۸۲ فرزند محمد صادق دختر متوفی

۲. فائزه شیخ الاسلامی متولد ۱۳۴۴ شماره شناسنامه ۶۹ فرزند محمد صادق دختر متوفی

۳. سید فرهاد شیخ الاسلامی متولد ۱۳۳۹ شماره شناسنامه ۱۳۹۳ فرزند محمد صادق پسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

۲۹۰۷۸/رئیس شعبه شورای حل اختلاف کرج

فرم اشتراک روزنامه جوان

پیشنهاد تهران

۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سیبا ۰۱۰۵۹۵۲۳۰۴۰۰۷ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.
۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.
۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.
۴. لطفا کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.
۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: ..... نام و نام خانوادگی: ..... تلفن تماس: .....
نام شرکت یا موسسه: ..... کدپستی الزامی است: .....
نشانی: .....

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۴۱۲/۵۰۰	۸۲۵/۰۰۰	۱/۲۳۷/۵۰۰	۱/۶۵۰/۰۰۰

توضیح: ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.
آدرس: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به خیابان شهید مطهری، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم
تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ نمابر: ۸۸۳۴۱۶۵۰